

سخن سردیبر

باسمه تعالی

نوشتن از غدیر کلماتی میخواهد فراتر از ابعاد نگرش یک ذهن، تا از تمام نگاهها بنگرد به رویدادی که فراتر از بعد مکانی و زمانی خود، جاریست در تمام اتفاقات و حوادث بعدی، نه فقط سقیفه و فدک، بلکه در کربلا و کاظمین و سامرا نیز تمام ذرات هوا متبلور از نام غدیر است. برای فهمیدن حقیقتی که وری فهم زمان خود است، باید تکه تکه آن را بررسی کرد، جرعه جرعه فهمید و قطره قطره منعکس کرد. انعکاسی که پرتو آن در فکه و هویزه، در دمشق و حلب و حالا در کشمیر و نیجریه پدیدار گشته است. فقط نگاهی میخواهد سوای مسائل سیاسی و تفرقه های مذهبی تا درک شود، اینکه روز غدیر که به چه می اندیشید، روزها و سالهای بعد مشخص شد. این که کدامین دستها بر سر پیمان خود استوار ماندند به قلم تاریخ ثبت شد. حالا برگ های تاریخ ورق خورده است و صفحاتش به اسم ما رسیده است. هر کدام از ما در روز غدیر به چه می اندیشیم و کدام یک از ما بر پیمان خود استوار خواهیم ماند؟

.....

پیامبر عظیم الشان اسلام

در بازگشت از آخرین سفر

حج در ۱۸ ذی حجه سال

دهم هجری در غدیر خم،

از همراهان خود می خواهند که از حرکت بایستند و در آن منزل اقامت گزینند و امر فرمودند که کسانی که از کاروان جلوتر حرکت می کنند بازگردند و افرادی که از کاروان عقب ترند به آن ها برسند تا حضرت رسول بتوانند مأموریتی که خداوند بر عهده ایشان گذاشتند به انجام رسانند. این مأموریت آن چنان اهمیتی داشت که خداوند در وصف آن به پیامبر می فرماید اگر این مأموریت را انجام ندهی رسالت خود را به اتمام نرسانده ای. آری! این مأموریت بزرگ اعلام ولایت علی ابن ابی طالب (علیه السلام) بود.

برخی پژوهشگران غدیر را از این حیث به عنوان یک گفتمان مطرح کرده اند، ولی درواقع پرداختن به غدیر به عنوان یک اصل دینی (ولایت) بسیار شایسته تر می باشد، زیرا که عدم انجام آن به منزله پایان نیافتن رسالت رسول... و ناتمام ماندن دین بود، در منابع علمی خطبه غدیر به سه صورت بیان شده است. خطبه های کوتاه، متوسط و بلند که همه آن ها در محتوا و اصل یکی هستند ولی بیان آن ها با یکدیگر متفاوت است.

غدیر را از سه بعد زمانی، مکانی و محتوایی می توان موردبررسی قرارداد تا اهمیت آن روشن شود. غدیر از نظر شرایط زمانی در زمان بازگشت از زیارت خانه خدا در آخرین حج پیامبر و درحالی که مؤمنان به دلیل انجام این فریضه بزرگ الهی آماده پذیرش حقایق هستند اتفاق افتاده است، از نظر موقعیت مکانی در سرزمینی نزدیک به حریم امن الهی اتفاق افتاده است و از نظر محتوایی خطبه ای شفاهی از زبان رسول خدا (صلی... علیه و آله و سلم) است که در آن وحی الهی به مسلمانان منتقل می شود و آن هم وحی که دارای جایگاه ویژه می باشد. خطبه غدیر شامل مبانی چون: ستایش پروردگار، توحید، معاد، فرمان الهی برای انجام وظیفه ای مهم، اعلام ولایت امیرالمؤمنین و اهمیت امامت، اشاره به احتمال کارشکنی های منافقین، معرفی حضرت مهدی (عج الله تعالی فرجه و الشریف) به عنوان آخرین ذخیره الهی و درنهایت بیعت گرفتن زبانی و عملی از حدود ده هزار نفر از مسلمانان که شامل بزرگان، اصحاب و سران قبایل بودند.

اما چرا علی؟ کمی به عقب برمی گردیم، قبل از حجة الوداع جایی که پیامبر (ص) اعلام نمود این آخرین حجی است که حضور خواهد داشت. خواناخواه این خبر اهمیت ویژه ای به این فریضه الهی می بخشید، پس دور از ذهن نیست که تمام جامعه اسلامی اعم از نخبگان، سران قبایل و سایر اقشار

علی اسلام پناه
دانشجوی کارشناسی ارشد مهندسی صنایع

از غدیر تا ظهور

جامعه نسبت به شرکت در این مراسم حج ترغیب شوند. اما وقت آن رسیده است که از زاویه ای دیگر به این اتفاق نگاه کنیم، واضح است که اعلام چنین خبری مشکلاتی را به جامعه نوپای اسلامی تحمیل می کند، چه عاملی باعث شد پیامبر خبر آخرین حج خود را مطرح سازد؟ با توجه به علم، مصلحت اندیشی و اتصال پیامبر به منبع وحی الهی بدون شک هدف پیامبر از انجام این کار دفع خطرات بزرگ تری از اسلام و جامعه اسلامی بود به نحوی که خداوند در آیه ۶۷ سوره مائده می فرماید انجام ندادن این کار به معنی ناتمام ماندن رسالت است.

”غدیر، بهانه ای است برای کوچاندن غربت از قاب خسته بشریت؛ نامی است درخشان بر تقویم شیعه. غدیر، مقدمه جوشش سبز در آخرالزمان است.“

مسئولیت رهبری بشریت جایگاه ویژه ای است که می بایست توسط انسان ویژه ای انجام شود، علی (ع) به عنوان کسی که از جانب خداوند برای مقام امامت تعیین شده و توسط رسول خدا معرفی شده است باید دارای شایستگی های لازم برای این جایگاه باشد. البته اصلح بودن علی (ع) امری قابل کتمان نبود زیرا در شأن عصمت او آیه تطهیر و در وصف اعلییت ایشان احادیث بسیاری از جانب رسول خدا بیان شده بود. سابقه درخشان علی (ع) در عرصه های مختلف از جمله مدیریت و رهبری حضرت در دوران حیات پیامبر، جهاد و رشادت علی (ع) در جنگ های صدر اسلام بر هیچ کس پوشیده نبود. در عدالت، شفافیت، مسئولیت پذیری و ساده زیستی بعد از پیامبر با هیچ کدام از اصحاب قابل قیاس نبودند که سند این ادعا نیز سیره زندگی و حکومت داری آن حضرت می باشد.

با توجه به اینکه حضرت رسول، قبل از غدیر غم هم جانشینی و ولایت حضرت علی (ع) را بیان کرده بود در غدیر خم – با توجه به اهمیت آن در ابعاد مختلف – با مسلمانان اتمام حجت کردند. دلیل این کار ایشان را می توان در کلام آن حضرت در خطبه غدیر دریافت و آن هم نگرانی از کارشکنی افرادی بود که می خواستند مسیر حکومت اسلامی را از سیره حکومت داری پیامبر که بر اساس ارزش های اجتماعی و کرامت های انسانی بنانهاده شده بود خارج نموده و منافع و

امکانات جامعه اسلامی را در جهت اهداف دنیا طلبانه استفاده و به انحصار خود درآورند.

اگر مردم مسئولیت های خود نسبت به امام زمانشان را انجام می دادند، برعهده ای که با ایشان بسته استوار بودند و حق را به خاطر تعصبات قبیله ای و جاهلانه و همچنین تبلیغات پوچ مشاهیر زمان خود نادیده نمی گرفتند قطعاً ولایت اهل بیت به زیر چکمه های ظلم و طاغوت زمانه لگدمال نمی شد. نادیده گرفتن و خیانت به غدیر تنها گرفتن جایگاه امامت از حضرت علی (ع) نبود بلکه مقدمه ای بود برای تحمیل صلح به امام حسن (ع) و پس از آن عاشورا...

عاشورا آینه تمام نمای مظلومیت اهل بیت و نتیجه حق ستیزی مردم بود، مردمی که به خاطر فضای خفقانی که جامعه را فراگرفته بود و از ترس جان و مالشان دیگر توان و شجاعت بیان حق خود را نداشتند و با دست خود ظالمان را بر جامعه اسلامی مسلط ساختند. غدیر ادامه جریان چشمه رسالت در مسیر امامت است مسیری که مقصد آن سعادت بشر است و عاشورا با امامت پیوند عمیق دارد، چراکه اگر مردم غدیرها را گرامی بدارند دیگر کربلاها و عاشورا رقم نخواهد خورد.

غدیر برکه نیست؛ بلکه دریایی است مواج که کشتی نجات در ساحل آن پهلو گرفته است. غدیر استمرار حق است و از غدیر تا خدا فاصله ای نیست غدیر تجلی امامت و امامت تجلی خدا است. غدیر، بهانه ای است برای کوچاندن غربت از قاب خسته بشریت؛ نامی است درخشان بر تقویم شیعه.

”غدیر و عاشورا دو بال یک پروازند، پروازی به مقصد سعادت بشر.“

غدیر، مقدمه جوشش سبز در آخرالزمان است. غدیر امروز هم در زندگی ما جاری است هنوز کلام رسول خدا در روز غدیر به گوش می رسد، چراکه غدیر پیام امامت و ولایت تمام امامان به ویژه حضرت مهدی (عج) نیز می باشد، خداوند هنوز فرصت سعادت را از بشر نگرفته است، ما نیز مسئولیم نسبت به شناخت و رعایت حق و می بایست جایگاه و وظیفه خود را نسبت به غدیر بشناسیم. غدیر و عاشورا دو بال یک پروازند، پروازی به مقصد سعادت بشر..

او ایستاده و منتظر آمدن ماست...

ظرافت برخورد با «ظریف»ها

چند هفته قبل تر وزیر خارجه جمهوری اسلامی،

آقای دکتر ظریف تحت تحریم‌های ایالات متحده قرار گرفت. تحریم شونده و تحریم‌کننده نسبت جالبی با یکدیگر دارند. یکی قرار بود با «مذاکرات سازنده» و «ایجاد اعتماد» در طرف دیگر، حسن نیت ایران را ثابت، قطعنامه‌های ضد ایرانی را ملغی و «همه تحریم‌های نفتی، بانکی، اقتصادی و ...» را در روز اجرایی شدن برجام لغو (و نه تعلیق!) کند. طرف دیگر نیز رژیمی بود که می‌شد با مسئولان بلندپایه اش دیدار و گفتگو کرد؛ به توافق رسید؛ در جلسه منتج به توافق، با آنها بغض مشترک(!!) کرد و در نهایت به آنها اعتماد کرد که به این توافق پایبند خواهند بود. چیزی که ملاحظه کردید خلاصه نگاه و عملکرد مسئولان محترم دولت «تدبیر و امید» درباره خود و طرف مقابل طی دوران مذاکرات -و حتی تا همین اواخر- بود.

اما حالا این «قهرمان دیپلماسی» توسط آن «دولت منطقی» مورد تحریم قرار گرفته است. تحریم‌هایی که از چند ماه پس از امضای برجام (و برخلاف برجام) شروع شده و با روی کار آمدن دونالد ترامپ توسعه یافتند و بالاخره به خود «تحریم شکن» رسیده‌اند. بدون هرگونه جانبداری، تنها تفسیری که میتوان از این تحولات داشت، شکست راهبرد دولت فعلی در از بین بردن تحریم‌های ضد ایرانی و جلب همکاری غرب بوسیله مذاکره است.

اما موضوع این نوشتار، یادآوری اشتباهات تلخ چندین ساله نیست، بلکه نحوه مواجهه با مرتکبان این اشتباهات تاریخی است. مسئله‌ای که موضوع مناقشات و بحث‌های بسیار شدیدی در سالهای گذشته بوده است و با تحریم دکتر ظریف دوباره شدت گرفته است. دولت و طرفدارانش که اساساً حاضر

سیاست خارجی فعال

از محدود نتایج، مذاکرات و تعاملات برجامی طراحی و اجرای سازوکار موسوم به

«اینستکس» از سوی اروپاییها بود که بر پایه آن مقرر شد ابتدا در زمره کالاهای غذایی و پزشکی که مشمول معافیت از تحریم‌ها می‌شود، فعالیت کند و سپس تعاملات مالی در قالب این سامانه مالی به سایر حوزه‌ها از جمله فروش نفت ایران و بازگشت درآمد حاصل از آن به‌صورت نقد یا کالاهای اساسی مورد نیاز تسری پیدا کند. اینجا همان پاشنه آشیل اینستکس به شمار می‌آید یعنی به‌نظر می‌رسد اینستکس کاملاً به یکسری کالاهای اولیه محدود شده است و ایران خواهان برداشتن این قید است.

انتظار می‌رود اروپا در گام بعدی اعلام کند اینستکس علاوه بر کالاهای معاف شده می‌تواند روند فروش سایر کالاها و به‌طور مشخص نفت را نیز مهیا کند اما تاکنون جوابی به این مسأله نداده است. به نظر می‌رسد جواب اروپا در این مورد منفی است بنابراین راه نجات برجام از نظر اروپا از مسیر اینستکس نمی‌گذرد. اروپا در چنین شرایطی خواهان گفت‌وگو با ایران شده است و این در حالی است که جمهوری اسلامی به این نتیجه رسیده که به اندازه کافی مذاکره کرده و «اینستکس» حاصل شده است و اروپا باید در همین چارچوب کمک کند تا ایران بتواند نفت خود را بفروشد و پول آن را به کشور بازگرداند. هنگامی که جمهوری اسلامی به این نتیجه رسید که ادامه وضع موجود به ضرر منافع ملی کشور است و مانع از اقدام سریع اروپا برای تحقق بخشیدن به این منافع می‌شود، اعلام کرد بخشی از تعهدات برجامی خود را کاهش می‌دهد به این امید که اروپا تحرک جدی‌تری را در قبال اجرای تعهداتش از خود نشان دهد. در چنین شرایطی بود که

به پذیرش کوچکترین خطایی درباره برجام نیستند و با برخورد متعصبانه به خارج از محدوده گفتگوی منطقی غلطیده‌اند. ولی منتقدان رویکرد دولت (به‌طور ویژه انقلابی‌ها) نیز باید نحوه برخورد خود با عاملان برجام را مورد نقد و بررسی قرار دهند. به نظر می‌رسد دو خطا در بین بخشی از منتقدان برجام بیشتر دیده می‌شود: ۱- برخورد شخصی و غیر محتوایی با عاملان برجام ۲- تفاوت قائل نشدن بین شئون نمایندگی ج.ا در عرصه بین‌المللی و فعالیت سیاسی داخلی

خطای اول بسیار آشکار و عمومی است. مثلاً پس از تحریم دکتر ظریف، برخی بابت این مسئله شروع به تمسخر وی کردند و یا حتی در میانه مذاکرات بعضاً این سخن شنیده شد که تیم مذاکره‌کننده در حال خیانت هستند. ادعایی که با پاسخ رهبر انقلاب روبرو شد و ایشان تیم مذاکرات را تیمی خواند که «با غیرت ملی و دقت کامل و با قصد باز کردن گره و پیش

” شایسته آن است که دیگران را به دعوای درون خانه دعوت نکنیم و اگر نمایندگان فعلی ملت مان را به اندازه کافی شایسته نمیدانیم، از راه درست برای تغییر آنها اقدام کنیم. “

بردن کار کشور، در مقابل تعداد کثیر مذاکره‌کنندگان طرفهای مقابل، مشغول تلاش است و انصافاً با شجاعت، مواضع را بیان و دنبال می‌کند.» در واقع چنین سخنی هیچ فایده‌ای نه برای کشور داشت و نه چیزی را اصلاح میکرد. خیانت در چنین مسئله حساسی که دچار تفسیرهای متفاوت شده است، اگر در قالب قانون شکنی واضحی همچون جاسوسی نباشد، به نیت و وجدان افراد وابسته خواهد بود و ما دستگاهی برای

کشور آماج جنگ روانی و تهدید به حمله نظامی از سوی آمریکا قرار گرفت. تا این که با انهدام پهباد آمریکایی با پدافند موشکی بومی، ایران قدرت بازدارندگی نظامی خود را نشان داد؛ از سوی دیگر ایران در موضوع توقیف نفتکش‌های ایرانی نیز مقتدرانه عمل نموده و اقدام متقابل بازدارنده انجام داد تا مشخص شود که ایران یارای آن را دارد تا با ایستادگی دشمن را به عقب نشینی وادار کند.

بر این اساس، برخی تحلیلگران غربی و داخلی تمایل داشته‌اند محاسبات چند ماه گذشته غرب در تقابل با جمهوری اسلامی را بر مبنای نظریه «بازی بزدل» یا «چیکن گیم» تفسیر کنند. تئوری بازی بزدل بر این اصل استوار است که

” به‌طور قطعی ابزار تحقق «تقابل هوشمندانه» همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب...فرمودند، «عناصر مؤمن انقلابی» است. تکیه بر عناصر مؤمن صرفاً منحصر به حوزه نظامی نیست. “

در یک موقعیت فرضی با دو بازیگری که بین آنها تعارض منافع یا رقابت وجود دارد، دو طرف سعی می‌کنند با همه ابزارها و امکاناتی که در اختیار دارند طوری وانمود کنند که برای وقوع بدترین حالت ممکن آماده‌اند تا از این طریق در رقیب هراس ایجاد کرده و او را از میدان به در کنند. سیکل انجام این دستگاه محاسباتی در غرب و جریان غربگرای داخلی بر مبنای فشار- مذاکره است؛ یعنی جمهوری اسلامی مجبور

سنجش نیت افراد نداریم. (هرچند در رده کارشناسی و پایین مذاکرات وجود افرادی که در حال جاسوسی بودند اثبات شد اما چنین چیزی درباره افراد رده بالای تیم مطرح نشده است.) پس بهتر نیست به جای تحلیل نیت آقای ظریف و دولت، به عملکرد و جهت‌گیری آنها پردازیم؟ منطق سیاست خارجی دولت و عملکردش در پیش روی ماست و حتی پس از تحریم آقای ظریف و شکل‌گیری نوعی حس همراهی و همبستگی با ایشان هم هنوز نیاز و امکان نقد به ایشان وجود دارد و باید داشته باشد. نگاه مثبت به غرب و امکان حل مسئله هسته‌ای و ... با جلب رضایت غرب به آخر خط رسیده است. تبیین این مسئله برای مردم مفید تر است یا یک خاله زنک بازی با تم خیانت؟

خطای دوم اما خطرناک تر است. مسئولان دولتی وقتی که در درون کشور در حال بحث بر سر پذیرفته شدن یک سیاست خاص هستند، در جایگاهی قرار دارند که متفاوت از جایگاه آنها در حین نمایندگی برای یک ملت است. فهم تفاوت ظریف بین این دو جایگاه، مقدمه‌ای برای رویکرد درست نسبت به مسئله سیاست خارجی در کشور است. هر چند مسئولان دولت فعلی-با عرض تاسف- خود از جمله افرادی بوده‌اند که از سالها قبل به استفاده از سیاست خارجی برای سیاست داخلی و ارتباط دادن طرف‌های بین‌المللی به مسائل داخلی پرداخته‌اند؛ اما چنین اشتباهاتی دیگر نباید تکرار شود، حتی بر علیه خود این افراد! تحریم آقای ظریف هرچند میخی بر تابوت مذاکره موفق با ایالات متحده است، اما فراموش نکنیم که وی به عنوان وزیر خارجه ج.ا. و به دنبال چندین ماه پاسخگویی در عرصه رسانه و دیپلماسی به زورگویی‌های آمریکا تحریم شده است. شایسته آن است که دیگران را به دعوای درون خانه دعوت نکنیم و اگر نمایندگان فعلی ملت مان را به اندازه کافی شایسته نمیدانیم، از راه درست و بهتری برای تغییر آنها اقدام کنیم.

است در قبال هر فشاری به پای میز مذاکره بیايد. رفتار جديد جمهوری اسلامی در تقابل با غرب را- که نمونه آن اسقاط پهباد آمریکایی و توقیف نفت‌کش بریتانیایی است- می‌توان ابطال چنین پنداری و گذر از «رویکرد منفعلانه» به «تقابل هوشمندانه» دانست؛ اما اینکه «تقابل هوشمندانه» چه مختصاتی دارد، می‌توان در چهار اصل خلاصه کرد:

الف- مبنای دستگاه محاسباتی و رویکرد جدید یک مبنای قرآنی است؛ خداوند در آیه ۱۹۴ سوره بقره به صراحت دستور می‌دهد: «هر کس به ستم بر شما دست دراز کند، او را از پای درآورید به قدر ستمی که به شما رسانده است.»

ب- دستاورد هر پدیده سیاسی بر مبنای هزینه- فایده محاسبه می‌شود. در مقابل این پرسش که تقابل یا سازش با آمریکا کدام منفعت بیشتری دارد؟ همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب فرمودند: «چالش اگر عقلانی و منطبق با منطق باشند، هزینه‌اش کمتر از سازش است»؛ چنین اصلی را می‌توان در هزینه- فایده مذاکرات قبلی با آمریکایی‌ها جست.

ج- درباره آینده‌پژوهی این رویکرد نوین، برخلاف ادعای جریان غربگرا می‌توان گفت سرانجام چنین رویکردی بازدارندگی بیشتر است نه احتمال جنگ؛ مستند چنین ادعایی را می‌توان در تغییر رفتار و گفتار آمریکایی‌ها مشاهده کرد.

د- اما نکته آخر اینکه به‌طور قطعی ابزار تحقق «تقابل هوشمندانه» همان‌گونه که رهبر معظم انقلاب در دیدار ائمه جمعه سراسر کشور فرمودند، «عناصر مؤمن انقلابی» است. تکیه بر عناصر مؤمن صرفاً منحصر به حوزه نظامی نیست و باید به دیگر حوزه‌ها نیز تسری یابد که یکی از گام‌های اصلی آن «روی کارآمدن دولت جوان و حزب‌اللهی» است.